



به جای رفتن، بسازیم

تصمیم به ماندن در ایران در حالی بود که دکتر صدرنبوی، عضو هیئت علمی دانشگاه LMU مونیخ در گروه ژنتیک پزشکی بود و این دانشگاه تا پنج سال بعد کرسی اش را حفظ کرد به امید بازگشت او، اما این اتفاق هرگز نیفتاد. «در آلمان، در حوزه ژنتیک، همه چیز سر جای خودش بود و کمبودی وجود نداشت، اما ایران در این زمینه با خلأهای جدی مواجه بود. بنابراین، اینجا خیلی بیشتر از آلمان می توانستم مفید و اثرگذار باشم. این شد که ماندم و تا امروز، یک لحظه هم پشیمان نشده ام. این تب مهاجرتی که هر از گاهی، مثل اکنون، بالا می گیرد، معمولاً تقلیدی است نه از روی تفکر و منطق؛ چون سختی پذیر نیستیم، به محض اینکه شرایط کمی دشوار شود، به جای ماندن و ساختن، رها کردن و رفتن را ترجیح می دهیم!»

عمل به جای شعار و ادعا

این ماندن هدفمند برای ساختن و کاستن از آلام هموطنان سبب شد دکتر صدرنبوی از همان بدو ورود به دانشگاه مشهد دست به کار شود. با توجه به اینکه در آن زمان گروه آموزشی ژنتیک ذیل گروه آناتومی قرار داشت، ابتدا همراه با دو همکارش (دکتر حسن زاده و دکتر عباس زادگان) گروه ژنتیک را مستقل کرد و سپس تا سال ۹۰ موفق به راه اندازی رشته ژنتیک پزشکی در دانشکده پزشکی مشهد، به عنوان دومین شهر پس از تهران، شد. پس از آن، نوبت به راه اندازی اولین مرکز نوروزنتیک دانشگاهی ایران رسید. «سال ۹۵ که دانشیار شدم، نیمی از زمان خدمتم را در گروه ژنتیک و نیم دیگر را در گروه اعصاب می گذراندم تا بتوانیم، به اتفاق پدر و سایر همکاران، مرکز نوروزنتیک دانشگاهی را برای اولین بار در ایران راه اندازی کنیم. این مرکز که همان ایام افتتاح شد، در زمینه تشخیص و پیشگیری از بیماری های ژنتیک مربوط به مغز و اعصاب فعالیت دارد و هنوز هم تنها مرکز نوروزنتیک دانشگاهی کشور است.»

پیشگیری از تولد ۳ هزار جنین بیمار

او همچنین با توجه به نبود مرکز ژنتیک دولتی در مشهد، برای رفاه حال بیماران بی بضاعت، مرکز ژنتیک جهاد دانشگاهی را فعال کرد که به برکت آن از سال ۸۷ تا ۱۴۰۰ از تولد ۳ هزار جنین مبتلا به بیماری های ژنتیکی جلوگیری شده است و گر نه با این حجم بیماران ژنتیک که به گفته دکتر صدرنبوی تعداد بیماران یک هفته در مشهد با تعداد بیماران چهار سال در آلمان برابری می کرد، معلوم نبود چه بحرانی دامن خانواده ها را می گرفت.

کارنامه آموزشی پژوهشی

مدیر مرکز ژنتیک بیمارستان قائم در مدت شانزده سال عضویت هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، از آموزش و پژوهش نیز غافل نبوده و افزون بر تألیف دو کتاب «ژنتیک پزشکی بالینی» و «چگونه پژوهش های ژنتیک پزشکی را ساده کنیم» و ترجمه کتاب های «اصول سیتوژنتیک بالینی» جرسن و «ژنتیک پزشکی در یک نگاه»، نگارش ۷۰ مقاله در نشریات داخلی و بین المللی، ارائه ۷۷ طرح تحقیقاتی، راهنمایی ۵۷ پایان نامه و آموزش صدها دانشجوی متخصص و پزشک عمومی را نیز در کارنامه خود دارد.

احساس مسئولیت نسبت به تشخیص دقیق

دکتر صدرنبوی به پیروی از سیره والدین و یکی از استادان، دقت و احساس مسئولیت جدی برای تشخیص راسرلوحه کار خود قرار داده است؛ «هر چه در حیطه علمی و اخلاق پزشکی آموخته ام را مرهون یکی از اساتیدم در آلمان هستم که وزانت خاصی داشت و بسیار به تشخیص علت اصلی و ریشه های ژنتیکی بیماری اهمیت می داد. به همین دلیل برای ویزیت هر بیمار زمان قابل توجهی اختصاص می داد و از طرفی تک تکشان را به خاطر می سپرد، درست مانند پدرم؛ من هم از آن ها الگو گرفته ام.»

خودسازی و خودکفایی؛ کلید گذر از چالش ها

این پزشک موفق با تأکید بر اینکه همیشه مفید بودن خستگی را از تنم به در می کند، درباره مشکلات و موانع معتقد است؛ مشکل و کاستی در هر سیستم و سازمانی وجود دارد اما نکته قابل توجه این است که آن سازمان را ما افراد شکل می دهیم و اگر به جای گله کردن که حاصلی ندارد، تلاش کنیم بهترین استفاده ممکن را از امکانات موجود داشته باشیم، بسیاری از مشکلات حل می شود؛ به عنوان مثال رشته ژنتیک در ایران نسبت به گذشته وضعیت خوبی دارد اما به علت تحریم، از برخی ابزارها مثل کیت محروم هستیم که به ناتوانی در برخی تشخیص ها و انحصار آن به خارج کشور منجر می شود؛ برای حل این معضل و رفع وابستگی به خارج، لازم است به جای ناامیدی یا منتظر ماندن برای رفع تحریم، پژوهش های این حوزه، با جهت گیری دقیق تر به سمتی بروند که فراتر از نمایش، مسئله محور و کاربردی باشند و به تولید ابزارهای مورد نیاز و در نهایت خودکفایی کشور کمک کنند.

تولد فرزند سالم از والدین بیمار شیرین ترین وجه کار ژنتسین ها

دکتر صدرنبوی، بزرگ ترین آرزویش را تبدیل مرکز ژنتیک بیمارستان قائم به یک مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی مرجع برای علوم پزشکی مشهد معرفی می کند و این گویا برایش دریچه ای می شود به خاطرات شیرین و نقاط قوت کارش؛ «اولین تشخیص قبل از تولدی که داشتم، مادری مبتلا به SMA بود که وقتی مطلع شد با این وجود، جنینش سالم است، آن قدر خوش حال شد که مدتی طولانی به سجده افتاد و صحنه بدیعی را رقم زد و از این زیباتر و جالب تر هم دیدن آن جنین در سن چهارده سالگی با سلامت کامل بود که واقعا خستگی ام را درآورد. این پیشگیری از ابتلای جنین به بیماری ارثی والدین و تولد فرزند سالم از والدین بیمار، شیرین ترین وجه کار ما ژنتسین هاست.»

ناامیدی بیمار بزرگ ترین رنج من

از دشواری ها و چالش های رشته و کارش که می پرسم، طبق معمول مردم و بیماران محوریت دارند؛ «مواقعی که با وجود همه تلاش ها خود را از درمان یا کمک به بیمار عاجز می بینم واقعا رنج می برم و اذیت می شوم؛ درست است که اغلب بیماری های نوروزنتیک هنوز درمان ریشه ای ندارند، اما به هر حال ناراحت می شوم و دوست ندارم ببینم بیماری که به امید ی آمده است، ناامید برگردد. در حوزه آموزش هم، دیدن بی علاقتی و بی انگیزگی دانشجویان نسبت به علم آموزی و اینکه عده ای صرفاً به دنبال پاس کردن دروس هستند، خیلی تلخ است؛ آن هم در رشته هایی مثل ژنتیک و نوروزنتیک که علاقه حرف اول را می زند زیرا با وجود سختی و مشقاتی که این رشته ها دارند، چندان پُر درآمد نیستند.»

در پایان باز هم برمی گردد به روزهای پر خاطره کودکی؛ روزهایی که از مدرسه به محل کار پدر در این اتاق می آمد تا برایش دیکته بگوید. اما او آن قدر مشغول بیماران بود که معمولاً فرصت نمی کرد و در عوض رزیدنت ها یا کارکنان بخش به دادش می رسیدند؛ حالا ولی پدر، آرام و فارغ از همه مشغله ها، از قاب عکس روی دیوار به دخترکش چشم دوخته و برایش مسیری روشن تر و پربارتر از همیشه را آرزو دارد. همین حس زنده بودن پدر است که دختر راحتی برای گرفتن عکس مصاحبه هم کنار قاب عکس او می کشاند.

